



بررسی حقوقی وضعیت وراثت در تکنیک های بارداری نوین

پدیدآورنده (ها) : عسکری، صادق

میان رشته ای :: همایش پژوهشهای دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام :: دوره ۲؛ ۱۳۹۸/۰۳/۳۰ - ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

صفحات : از ۵۲۰ تا ۵۳۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1810635>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی محتوای اطلاعاتی اجزای سود و نحوه ی وزن دهی به این اجزا توسط مدیران و سرمایه گذاران
- رابطه ارزش افزوده نقدی، ارزش افزوده اقتصادی، جریانهای نقدی آزاد و سود باقیمانده با ارزش ایجاد شده برای سهامداران
- تأثیر فرهنگ سازمانی بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
- بررسی تاثیر بازاریابی رابطه مند بر مزیت رقابتی شعب بانک ملت
- بررسی سبک رهبری مدیران و تاثیر آن بر تعهد سازمانی کارکنان و مدیران تامین اجتماعی خراسان رضوی
- مسئولیت مدنی سقط درمانی
- آزمون اثر احساسات و الگوی رفتار معاملات سرمایه گذاران بر بازده مازاد سهام در بورس اوراق بهادار تهران
- ارکان تشکیل دهنده جرم سقط جنین در حقوق ایران و فرانسه
- بررسی مقایسه‌ای مدل‌های بازاریابی محتوایی از نظر مراحل و فرآیند اجراء
- ارایه‌ی الگوی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود
- بررسی ارتباط برنامه درسی پنهان با انگیزه تحصیلی و خود نظم دهی دانش آموزان
- بررسی تاثیر بازی های بومی و محلی بر انگیزه پیشرفت تحصیلی درس ریاضی دانش آموزان سطح ۲ ابتدایی ناحیه ۱ بندرعباس

عناوین مشابه

- مطالعه و بررسی جامعه شناختی نقش شبکه های اجتماعی نوین در بعد حقوقی هویت شهروندی جوانان ایران (مطالعه موردی: دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر تبریز سال ۱۳۹۴)
- بررسی وضعیت حقوقی سازمان های مدیریت جمعی در جهان کنونی
- بررسی روش های ایجاد انگیزه و خلاقیت در معلمان برای استفاده از تکنیک های آموزشی نوین در مدارس مقطع متوسطه شهرستان خلخال
- بررسی وضعیت کانال های بازاریابی در صنعت بیمه با به کارگیری تکنیک های ANP و DEA
- لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور ۷. بررسی وضعیت حقوقی دستگاه های اجرایی مندرج در لایحه بودجه از حیث قوانین تاسیس و اساسنامه آنها
- بررسی وضعیت حقوقی شرکت های تجاری ثبت شده در شهرستان سنج
- بررسی تطبیقی وضعیت حقوقی گروه های قراردادی در حقوق ایران و فرانسه
- بررسی ارتباط بین وضعیت توپوگرافی و خشکسالی در غرب استان فارس با استفاده از تکنیک های سنجش از دور
- بررسی وضعیت چکیده پایان نامه های دکتری رشته های علوم انسانی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و مقایسه آن با استانداردهای بین المللی ایزو در چکیده نویسی
- حجاب در ایران (بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال های آخر حکومت پهلوی دوم تا پایان جنگ تحمیلی)

بررسی حقوقی وضعیت وراثت در تکنیک های بارداری نوین

صادق عسکری

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان

چکیده

پیشرفت علم پزشکی در درمان ناباروری با وجود امیدواری به زوجین نابارور در رسیدن به آرزوی فرزنددار شدن، چالش‌های فقهی و حقوقی بسیاری به وجود آورده است. با عنایت به این که این سوال مطرح می شود که کودک متولد شده از اقسام تکنیک‌های باروری از لحاظ وراثت چه وضعیتی خواهد داشت هدف از این پژوهش، نقد و بررسی حکم ارث حمل در طیف تکنیک های نوین باروری از منظر فقه و حقوق می باشد. روش اصلی نوشتار حاضر، توصیفی - استدلالی و تحلیلی - تفسیری است. نتایج بیانگر آن است که نسب از جمله موجبات تحقق ارث به شمار می رود و با توجه به اینکه منشا نسب، تکون انسان از ترکیب نطفه زن و مرد است، نسب حمل در تکنیک‌های نوین باروری به صاحبان اسپرم و تخمک ملحق می شود و ارث هم میان آنان برقرار خواهد بود. در تکنیک نوظهور پیوند تخمدان یا پیوند بیضه پس از انجام پیوند، عضو الحاقی به منزله ی عضو اصلی بدن گیرنده عضو محسوب می شود و از آنجا که پس از پیوند، تخمک یا اسپرم در بدن گیرنده عضو ایجاد می شود لذا نسب کودک پدیدآمده از این تکنیک به زوجین مذکور برمی گردد و ارث میان آنها مانند سایر اولادشان برقرار است.

واژگان کلیدی: وراثت، تلقیح مصنوعی، جنین منجمد، جنین آزمایشگاهی

۱- مقدمه

از دیرباز تولید مثل یکی از آمال و خواسته های طبیعی بشر محسوب می شده است و با توجه به آمار بالای ناباروری‌های زوجین در امر تولید مثل، پیشرفت علم جنین شناسی و مهندسی پزشکی سبب شده است شیوه های گوناگونی برای غلبه بر معضل و بیماری ناباروری پیش بینی و عملی گردد و بسته شدن نطفه انسان به غیر از راه شناخته شده طبیعی آن (آمیزش) از روش های دیگری نیز امکان پذیر گردد که از آن جمله میتوان به لقاح داخل رحمی، لقاح خارج رحمی، اهدای جنین، اهدای گامت، رحم جایگزین، پیوند تخمدان و پیوند بیضه اشاره کرد.

البته از دیدگاه فقهی و حقوقی، شرط وراثت، زنده بودن وارث به هنگام فوت مورث است، اما حمل نیز میتواند ارث ببرد به شرط این که اولاً زنده متولد شود؛ ثانیاً نطفه وی در زمان فوت مورث، منعقد شده باشد؛ قانونگذار عرفی نیز به تبعیت از مبانی فقهی در ماده ۸۷۵ قانون مدنی مقرر کرده است: «شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث میبرد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد» لازم به ذکر است که حیات جنینی حمل، زمانی در رحم مادر شکل میگیرد که اسپرم مرد با تخمک زن امتزاج پیدا کند. امتزاج، اندکی پس از ورود نطفه به رحم صورت میگیرد و بعد از انعقاد نطفه، یعنی پیداشدن همان حیات جنینی است که اگر مورث فوت کند یکی از دو شرط برای ارث بردن حاصل شده است. شرط دوم ارث بردن حمل نیز طبق ماده ۸۷۵ و ماده ۹۵۷ قانون مدنی زنده متولدشدن حمل است، هرچند که فوراً پس از تولد بمیرد و یا عادتاً استعداد بقا نداشته باشد، نظیر طفلی که ریه ناقص دارد و از نظر پزشکی مرگ او در یک مدت کوتاه، مسلم و غیر قابل تردید باشد که در این صورت، پس از فوت طفل، سهم الارث او به وراثت زمان فوت او انتقال مییابد در این راستا امام خمینی (ره) بیان میدارد:

«حمل اگر به صورت زنده متولد و از مادر جدا شود، اگرچه در همان ساعت بمیرد (هم) ارث میبرد و (هم) از او) ارث برده میشود، پس اگر معلوم شود که بعد از جدانشدن حیات داشته و بعد از آن مرده است، ارث میبرد و ارث برده میشود و در آن صداکردن بچه بعد از بیرون آمدنش معتبر نمی‌باشد، در صورتی که با حرکت واضح و غیر آن، معلوم شود که به طور زنده بیرون آمده است» از طرف دیگر، به استناد ماده ۸۶۱ قانون مدنی، نسب به عنوان یکی از موجبات تحقق ارث معرفی شده است و نسب پدری و مادری کودک به هر کس که ملحق شود، ارث میان آن‌ها برقرار خواهد بود.

امروزه از جمله مسائل مستحدثه ای که در حوزه فقه و پزشکی با آن مواجه هستیم، مساله حکم ارث حمل پدیدآمده از اقسام تکنیک های نوین باروری است و برای اثبات ارث کودک متولدشده از تلقیح مصنوعی لازم است نسب پدری و مادری کودک در اقسام تکنیک های نوین باروری مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که تاکنون در کشور ما قوانین جامعی در این زمینه وضع نشده است، این کاستی، ضرورت انجام پژوهشی کامل و جامع را قوت می بخشد.

توجه به این امر مهم که استفاده از روش های نوین درمان ناباروری، یکی از نیازهای جدید جامعه امروزی بوده و مبتلی به بسیاری از بیماران است و چه بسا برای بسیاری از مبتلایان به آن، جنبه حیاتی داشته باشد، به طوری که نمیتوان به راحتی آن را نادیده انگاشت از یکسو و از سوی دیگر، از آنجا که فقه اسلامی با توانمندی بالای خود باید پاسخگوی مسائل نوظهور بوده و حکم شرعی هر موضوع را مشخص سازد، از جمله مهم ترین آثار شرعی مترتب بر این پدیده نوین، حکم «ارث» نسبت به فرزندی است که از راه یکی از این تکنیک های باردارشدن به وجود میآید و با عنایت به این که ارث، از جمله حقوق مدنی حمل محسوب میشود، ضرورت توجه و تمرکز به این موضوع بیش از پیش معلوم خواهد شد. از این رو شایسته است ضمن بررسی مبانی فقهی و حقوقی، شرایط تحقق ارث حمل در اقسام تکنیک های نوین باروری را مورد واکاوی و نقد و بررسی قرار دهیم

تا مشخص گردد وضعیت ارث حملی که در نتیجه تکنیک های نوین باروری به دنیا می آید، از نظر فقهی به چه ترتیبی بوده و آیا این امکان وجود دارد که چنین فرزندی را به صاحب تخمک و صاحب اسپرم منتسب کرد یا نه ؟

۲- تلقیح مصنوعی

«تلقیح» در لغت به معنی باردار کردن و لقاح به معنای باردار شدن است (ابن منظور، ۱۹۹۷م). مفهوم اصطلاحی آن نیز از معنای لغوی این واژه دور نیست؛ بدین معنا که تلقیح مصنوعی عبارت است از اینکه زن را با وسائل مصنوعی و بدون آن که نزدیک صورت گیرد، باردار کنند (نایب زاده، ۱۳۸۰) و به طور کلی بر دو نوع است؛ تلقیح مصنوعی داخلی و تلقیح مصنوعی خارجی. تلقیح مصنوعی داخلی عبارت است از روشی که در آن، عمل تلقیح بین اسپرم مرد و تخمک زن در داخل رحم صورت میگیرد و بر حسب اینکه بین صاحبان نطفه رابطه زوجیت بوده و یا چنین ارتباطی وجود نداشته است به صور مختلف تقسیم میگردد. در تلقیح مصنوعی خارجی، عمل تلقیح بین اسپرم و تخمک در خارج از رحم صورت میگیرد و دارای اقسامی است که خواهد آمد (غانم، ۱۴۱۲ق).

۳- آثار تلقیح مصنوعی از منظر حقوق

در این بخش ضمن اشاره به مفهوم نسب و پیدایش آن، نسب طفل حاصل از تلقیح مصنوعی مورد بررسی قرار میگیرد تا پس از روشن شدن نسب، مسائل مربوط به ارث، حضانت، ممنوعیت نکاح با برخی اقارب نسبی و نظایر آن معلوم شود. «نسب» از نظر لغت مصدر و به معنای «قربانیت»، «علاقه» و رابطه بین دو شیء است (معلوف، ۱۹۹۷م) و در زبان فارسی به معنای نژاد، اصل و خویشاوندی است (انوری، ۱۳۸۱). از نظر حقوقی، با آن که باب اول از کتاب هشتم قانون مدنی ایران (عنوان مواد ۱۱۵۸ تا ۱۱۶۷) به احکام مربوط به «نسب» پرداخته است، ولی تعریف صریحی از ماهیت آن به چشم نمیخورد؛ به همین جهت حقوقدانان تعاریف مختلفی را ارائه داده اند. دکتر امامی در تعریف نسب مینویسد: «نسب امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می آید. از این امر، رابطه طبیعی خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود میگردد» (امامی، ۱۳۴۰). دکتر کاتوزیان بیان میدارد: «نسب رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنان مربوط می کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۹). اما هیچ یک از این تعاریف، حقیقت و ماهیت نسب را بیان نموده اند که آیا رابطه ای اعتباری و قراردادی است یا امری تکوینی و واقعی؟ با توجه به عدم تعریف ماهیت نسب از سوی شارع یا قانونگذار، میتوان ادعا کرد که مقنن در رابطه با حقیقت نسب از عرف پیروی میکند و به اصطلاح اصولی، در مورد عنوان نسب، حقیقت شرعی یا متشرعه ای وجود ندارد؛ البته این بدان معنا نیست که نسب اعتباری محض است و هیچ گونه وجود حقیقی ندارد، بلکه نسب از اعتبارات نفس الامری و دارای منشأ اعتبار واقعی است (قربان نیا، ۱۳۸۲) حال سؤال این است که عرف چه چیزی را منشأ اعتبار رابطه نسبی میدانند؟ برای پاسخ به این پرسش ضروری است که بحث در نسب پدری و مادری به طور جداگانه پیگیری شود.

۴- منشأ انتساب فرزندان به پدر

از نظر پزشکی، منشأ پیدایش و ماده سازنده جنین از ناحیه پدر، اسپرم موجود در منی انسان است. عرف نیز معیار و ملاک نسب و ارتباط بین دو انسان را پیدایش یکی از دیگری میدانند و بر این اساس، برای بیان این امر واقعی و تکوینی عنوانی به نام «نسب» انتزاع میکنند. شاهد بر این ادعا، آیات و روایاتی است که در این زمینه وجود دارد. به عنوان مثال در آیه «و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا...» (فرقان : ۵۴) منشأ پیدایش انسان بیان شده است. از تفریع «جعل» بر «خلق من الماء بشرا» استفاده میشود که همان بشر خلق شده از آب (نطفه) دارای نسب است و این همان برداشت عرفی از نسب است که منشأ نسب را پیدایش

و تگون از طفل از نطفه میدانند و اعتبار عرف منشأ واقعی دارد. به همین جهت، اعتبار و قراردادهای غیرواقعی مانند فرزند خواندگی همان گونه که قرآن کریم بیان نموده، غیر مشروع و بی اثر است (احزاب: ۴ و ۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق).

۵- منشأ انتساب فرزند به مادر

در معیار پیدایش فرزند از ناحیه مادر، نظریه های متعددی ارائه شده است که بررسی آنها برای رسیدن به نظر برتر ضروری است: یکم (زاییدن، ملاک انتساب فرزند به مادر) این گروه میگویند در لغت و همین طور در عرف مادر یا والده به شخصی اطلاق میشود که کسی را میزاید و دیگری از او متولد میشود، بنابراین زنی که کودک را حمل کرده و سپس او را زاییده است، همو مادر این کودک به شمار می آید. (خویی، ۱۴۱۲ق؛ محسنی، ۱۴۱۴ق؛ قرضاوی، بیتا) آنان به آیاتی چند از قرآن استناد میکنند که مهم ترین آنها آیه «ان أمهاتهم إلا اللاتی ولدنهم...» مادران آنها تنها کسانی هستند که ایشان را زاده اند (مجادله: ۲). در این آیه شریفه، مادر به طور مطلق و به صیغه حصر، کسی است که فرزند را زاده است. اگر چه حصر در اینجا اضافی و در رد کسانی است که با «ظهار» زانشان را مادرانشان مینداشته اند، اما در علم اصول ثابت شده است که مورد مخصص یا مقید نیست و نزد عقلا، ظهور کلام ملاک اعتبار است. (رضانیا معلم، ۱۳۸۰). این دسته برای ادعای خود به آیات دیگری از قرآن مجید (احقاف: ۱۵؛ لقمان: ۱۴؛ نحل: ۷۸) نیز استناد میکنند.

مخالفین این نظریه نسبت به استدلال این گروه اشکالاتی را مطرح میکنند. از جمله اینکه استناد به آیه سوره مجادله، وافی به مقصود نیست، زیرا، اولاً آیه اطلاق ندارد، بلکه در مقام رد پندار کسانی است که گمان میکردند به صرفظهار، زانشان مادرانشان میشوند، در نتیجه بر آنها حرام ابدی میشوند، پس در مقام بیان مفهوم شرعی «أم» نبوده و مقدمات حکمت جهت أخذ اطلاق تمام نیست (علوی قزوینی، بیتا) ثانیاً اینکه خداوند در این آیه، مادر را کسی معرفی کرده است که بچه را میزاید، با اینکه غیر او نیز مادر باشد، منافاتی ندارد. مانند مادر رضاعی که گرچه طفل را حمل نکرده و او را به دنیا نیاورده، اما خداوند او را مادر نامیده است. (سنباطی، ۱۴۲۱ق) ثالثاً کلمه «ولدن» در این آیه به معنای زایمان نیست، زیرا در کتاب و سنت هر جا سخن از زایمان آمده است با عبارت «وضع» بیان شده است. چنان که قرآن در ماجرای مادر حضرت مریم میگوید: «فلما وضعتها قالت رب إني وضعتها أنثی...» (آل عمران: ۳۶).

۶- وضعیت ارث جنین منجمد با والدین ژنتیکی در باروری پس از مرگ

در این که پس از فوت یکی از والدین جنین منجمد یا هر دوی آن ها و قبل از استقرار جنین در رحم مادر سهم الارثی به او تعلق میگیرد یا نه اختلاف بسیاری وجود دارد. پس از این که حکم باروری پس از مرگ با جنین منجمد روشن گشت، برای این که مشخص گردد جنین منجمد میتواند موضوعی برای استحقاق حق ارث همانند حمل طبیعی گردد، باید نگاهی به شرایط برشمرده شده برای حمل طبیعی داشته باشیم. طبق ماده ۵۸۷۵ و توضیح آن با ماده ۶۹۵۷ شرایطی برای تمتع حمل طبیعی از حقوق مدنی از جمله ارث ذکر شده است.

۷- شروط ارث بردن حمل

با توجه به ماده ۸۷۵ قانون مدنی و کلام فقها، معلوم میگردد که «حمل» با لحاظ دو شرط میتواند ارث ببرد.

۸- انعقاد نطفه در زمان فوت مورث:

منظور از انعقاد نطفه، امتزاج تخمه مذکر و تخمک زن است که پس از ورود نطفه در رحم به مدت قلیلی حاصل میشود و مطابق با احادیث و فتاوی اولین حیات جنینی آغاز میگردد. با ملاحظه این شرط، باید گفت هر گاه نطفه حمل پس از فوت مورث منعقد شود، از ارث محروم خواهد بود؛ همان گونه که آیت... بهجت در مورد ارث هنگام استفاده از نطفه مرد پس از مرگ معتقد است

در هنگام مرگ هنوز انعقاد نطفه و تحقق حمل صورت نگرفته است، هرچند حمل در نسب ملحق به مرد می‌شود، ولی از مرد ارثی نمی‌برد، چون شرط ارث حمل موجود نیست (بهجت، ۱۴۲۸ ق).

حکم در ماده ۸۷۵ قانون مدنی مخالف آیات و روایاتی است که فرزند را وارث پدر میدانند: «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین» (نساء: ۱۱).

زیرا همانند نظر آیت ... بهجت و برخی دیگر حملی که در نسب به مرد ملحق شود، حتی اگر پس از مرگ پدر انعقاد صورت گیرد نیز حقیقتاً فرزند متوفی محسوب می‌شود و دلیلی بر تخصیص آیه وجود ندارد، زیرا نسب عرفاً و لغتاً رابطه‌ای اعتباری است که از امشاج یک انسان از نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود و این تعریف بر جنین منجمد نیز صادق است، هرچند به صورت مصنوعی تلقیح یابد.

در کلام فقها حیات، یعنی نفخ روح در جنین هنگام موت مورث شرط نشده، بلکه اگر به صورت نطفه منعقد شده باشد، تنها وقوع یک شرط، یعنی زنده متولدشدن حمل برای ارث بردن کافی است، در غیر این صورت در حکم معدوم است، (اردبیلی، ۱۴۰۳ ق؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق؛ طاهری، ۱۴۱۸ ق) پس شرط انعقاد نطفه هنگام فوت در بعضی از عبارات فقها، تنها جنبه کاشفیت داشته تا علم به وجود حمل هنگام فوت برای انتساب حمل به متوفی وجود داشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۸ ق؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق؛ بحرانی، بی‌تا؛ عاملی، بی‌تا) و معنای دوری نیست که هدف از ذکر انعقاد نطفه هنگام مرگ در ماده مذکور عبارت «لیحکم بانتسابه الیه» مورد نظر فقها است (قبله ای خوئی، ۱۳۷۵ ش). تا جایی که محقق اردبیلی می‌گوید اگر مردی با همسر خود نزدیکی کند و بلافاصله بمیرد و طفل با لحاظ اماراتی در حداقل مدت حمل و قبل از گذشت حداکثر مدت حمل متولد شود؛ چنانچه حکم بر ملحق دانستن او به مرد رود، از پدرش ارث می‌برد (اردبیلی، ۱۴۰۳ ق) هرچند گفته می‌شود از آنجا که نطفه او پس از فوت صاحب گامت منعقد شده است (موجودیت نداشته) شرط نخست منتفی بوده و با انتفای شرط نخست، شرط دوم نیز منتفی می‌شود (راسخ و همکاران، ۱۳۹۱) و از ارث محروم می‌ماند.

در پاسخ به نظر اخیر می‌گویند از آنجا که این شرط تنها جنبه کاشفیت نسب بوده و فقها در این شرط متفق نیستند، موضوعیت ندارد؛ مهم بررسی حد زمانی مشخص برای نطفه منعقد شده پس از مرگ مورث است که تا چه زمانی می‌تواند از ماترک پدر (صاحب اسپرم) ارث ببرد، چون در مواقعی فاصله موت و انتقال گامت و جنین طولانی می‌شود، چه بسا تشخیص تاریخ تملک وارثان می‌تواند راه گشای این مسأله باشد، به این معنی که اگر تلقیح قبل از انتقال ترکه به ورثه صورت گیرد به طور قطع حمل در صورت زنده متولدشدن ارث می‌برد، اما اگر تلقیح و انتقال پس از تقسیم ترکه رخ دهد، بی‌جهت نیست که طفل از ارث محروم بماند، زیرا با انتقال ترکه به ورثه چیزی باقی نمی‌ماند تا به طفل برسد (قبله ای خوئی، ۱۳۸۷ ق).

در مورد زمان انتقال ترکه به ورثه گفته می‌شود برای دستیابی به ترکه خالص و ورود به ملکیت مستقر وارثان باید آن را تصفیه کرد و حقوق و دیونی را که به آن تعلق می‌گیرد از ترکیب ناخالص کاست (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ش) همان گونه که برخی از فقها معتقدند مالکیت ورثه نسبت به ماترک بعد از کسر دیون و عمل به وصیت تحقق می‌یابد و مستند آنان آیه «...من بعد وصیه یوصی بها او دین است و در ادامه می‌گویند دلالت آیه بر آن است که ورثه قبل از آن دو (اخراج وصیت و دین) ارث را تملک نمی‌کنند، بلکه تصرف آن‌ها تنها پس از اخراج آن دو جایز است، لذا قول خداوند متعال «یوصی بها» بعد از وصیت به خاطر تأکید بر موضوع است و ظاهر آیه تساوی بین دین و وصیت در تقدمشان بر ارث را می‌رساند (اردبیلی، بی‌تا).

در صورت پذیرش ارث جنین ناشی از تلقیح مصنوعی پس از مرگ صاحب اسپرم تا قبل از تقسیم ترکه با توجه به شرط نخست، وضعیت جنین منجمد میسرتر به نظر می‌رسد، چراکه تفاوت مهم این دو از آنجا ظاهر می‌شود که نطفه جنین منجمد در زمان حیات زوجین منعقد شده و هنگام فوت موجود است و صرفاً بارداری است که پس از فوت رخ می‌دهد که با این اوصاف استناد

به ماده ۸۷۵، مشروط بر زنده متولدشدن جنین، بلاوجه نیست و در تبیین این ماده با ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی که میگوید: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر این که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کم تر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد»، مهم تأمین منافع کودک است که در تفسیر یا جرح و تعدیل قانون باید لحاظ گردد (راسخ و همکاران، ۱۳۹۱ ش) به علاوه می توان ارث جنین منجمد را با ارث کافر قیاس کرد و در تعدیل مسأله بهره برد؛ در صورتی که بین وراثت مسلمان کافری وجود داشته باشد که قبل از تقسیم ترکه اسلام آورد، از ترکه ارث میبرد در غیر این صورت، یعنی اسلام آوردن او پس از تقسیم یا مقارن با تقسیم ترکه باشد، حقی نسبت به ارث مورث خود نخواهد داشت؛ گویی هنگام فوت مورث فرض میشود که معدوم بوده و وجود خارجی نداشته است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ ش؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ق؛ فقعی، ۱۴۱۸ ق؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق؛ بحرانی، ۱۴۲۳ ق) پس وقتی انتقال جنین قبل از تقسیم ترکه صورت گیرد، میتوان تمامی احکام و مقررات جاری بر جنین طبیعی را بر جنین منجمد تسری داد، اما در صورت انتقال پس از تقسیم ماترک و نبود مالی، طبیعتاً در حکم معدوم بوده و از ارث محروم خواهد شد. چنانچه آیت... علوی گرگانی معتقد است در صورت باروری پس از مرگ به وسیله جنین منجمد، فرزند متولدشده از پدر و مادر خود ارث میبرد مگر قبل از انعقاد نطفه ارث پدر تقسیم شود (فتوای آیت... علوی گرگانی) و زمانی که ترکه به خاطر مانع یا عدم وجود وارث دیگری تقسیم نشود و جنین زنده خارج شود، بعید نیست که از ترکه پدرش ارث ببرد (محسنی، ۱۴۲۴ ق) و نظر برخی مشکل بودن ارث اوست که بهتر است با ورثه مصالحه کنند (فاضل لنکرانی، بی‌تا). مفاد ماده ۷۸ قانون مدنی که دلالت بر عدم تقسیم ارث تا معلوم شدن حال حملی که وجود آن مانع از ارث تمام یا برخی وراثت میشود، دارد و در تقسیم ارث، حضور اولاد میتواند ترتیب ارث را کاملاً تغییر دهد، یعنی در صورت نبود یک طبقه، ارث به طبقه دوم میرسد، اگر شرایطی موجود باشد که زوج فرزندی نداشته باشد و فوت کند، استفاده از جنین منجمد میتواند ارث برخی را تغییر دهد و استفاده از جنین منجمد به این صورت مورد سوء استفاده قرار گیرد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۱ ش).

صدق شرط نخست ارث «انعقاد نطفه» بر جنین فریزشده اثبات شد، گام بعدی بررسی شرط دوم، یعنی زنده متولدشدن حمل است که به شرح زیر خواهد آمد.

۹- زنده متولدشدن حمل :

مهم ترین شرطی که اکثر فقها در مورد ارث حمل به آن تأکید کرده اند، زنده متولدشدن حمل است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق)؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ق) که برای آن علائمی چون گریه کردن و حرکت بعضی از اعضای نوزاد را ذکر کرده اند (امامی، بی‌تا) هرچند برخی به دلیل امکان لال یا معلول بودن طفل استهلال یا حرکت اعضا را شرط نمیدانند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق) پس برای ارث بردن حمل از متوفی باید زنده متولدشدن او مسلم باشد، در غیر این صورت تردید و شک در زنده بودن و نبودن او هنگام تولد مانع از ارث او میشود، زیرا این شک، شک در تحقق شرط است و اصل عدم تحقق آن است (امامی، بی‌تا) لذا قانون مدنی در ماده ۸۷۶ میگوید: «باشک در حیات حین ولادت، حکم وراثت نمیشود»، اما اگر مرده به دنیا بیاید، هرچند تا تولد در رحم زنده بوده باشد، ارث نمیبرد. از عبارات صاحب جواهر به دست می‌آید که در این خصوص اتفاق نظر وجود دارد و اخبار و احادیث معتبر نیز بر اعتبار آن صراحت دارند (نجفی، ۱۴۰۴ ق)

با دقت در واژه حمل در مواد قانونی و کتاب های فقهی که گروهی به دلیل قرار نگرفتن جنین منجمد تحت تعریف حمل، او را از حقوق طبیعی محروم میدانند؛ میگوییم دلیل ذکر حمل در کتاب های فقهی و قانون ایران مغلوبیت و عادی بودن حمل طبیعی در گذشته است؛ در این شرط فقط حمل بودن جنین مهم نیست، بلکه به دنبال حمل عبارت زنده متولدشدن وجود دارد و حمل و زنده متولدشدن دنباله رو و تکمیل کننده هم هستند و نمیتوان تنها بر لفظ حمل تأکید کرد تا دلیل کافی بر تسری قواعد حمل طبیعی بر جنین منجمد به عنوان یکی از روش های کمک باروری باشد و بدین وسیله از ارث محروم شود. ماده ۹۵۶ قانون مدنی را میتوان

برای تأکید بر شرط متأخر ذکر کرد که میگوید: «اهلیت برای دارابودن حقوق با زنده متولدشدن انسان شروع و با مرگ او تمام میشود».

با بررسی شروط ارث حمل و شمول شرط نخست (انعقاد نطفه) بر جنین منجمد، مسأله اصلی ابهام‌های در ارث جنین منجمد صدق حمل در شرط دوم بر آن میباشد، چراکه اختلاف در ارث جنین منجمد زمانی مطرح میشود که فاصله بین انجماد جنین پس از تلقیح و انتقال آن به رحم طولانی باشد و بین این برهه زمانی مرگ یکی از والدین یا گاهی هر دو اتفاق میافتد و اصطلاحاً باروری پس از مرگ رخ میدهد و سؤال اینجاست آیا در این فرض شرط دوم، یعنی [حمل] مشمول جنین منجمد میشود تا قائل شویم جنین منجمد نیز همانند هر حمل طبیعی دیگر این حق را دارد که سهم الارث معینی برای او کنار گذاشته شود؟ یا این که در این مسأله همانند گروهی از فقها و حقوقدانان به دلیل حمل نبودن جنین منجمد هنگام فوت متوفی، در حکم معدوم بوده و ترکه تنها بین وراث موجود هنگام مرگ مورث تقسیم شود؟ در پاسخ به این سؤال اختلافات زیادی وجود دارد که لازم می‌آید به بررسی وضعیت تمتع جنین منجمد و اختلافات پرداخته شود.

۱۰- ارث در تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

به عقیده‌ی اکثر فقها هرگاه تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم شوهر و تخمک زوجه صورت گیرد، کودک به زوجین منتسب خواهد بود (امام خمینی (ره)؛ خامنه‌ای؛ مکارم شیرازی؛ حسینی سیستانی، ۱۳۷۴). حقوقدانان نیز معتقدند در این نوع تلقیح، رابطه زوجیت بین زن و مردی که پدر و مادر طفل محسوب می‌شوند وجود دارد و طفل نیز بنابر فرض، از ترکیب نطفه‌های این دو ایجاد شده است و طفل متولد شده، طفل قانونی است تمامی شرایط لازم را برای نسب قانونی دارا می‌باشد و فرقی که مورد لقاح مصنوعی با موارد عادی دارد آن است که در لقاح مصنوعی، طفل به وسیله‌ی طبیعی یعنی نزدیکی زن و شوهر به وجود نیامده است و این امر تأثیری در نسب قانونی ندارد (امامی؛ کاتوزیان؛ صفایی؛ امامی، ۱۳۷۸).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که طفلی که از تلقیح زوجین به وجود آمده آیا از پدر و مادر خود (زوجین) ارث می‌برد؟ روشن است که فرزند حاصل از این تلقیح هیچ فرقی با فرزند ناشی از نزدیکی ندارد و بین پدر و مادر وی حالت توارث وجود خواهد داشت اگرچه ممکن است در رابطه با انتقال نطفه به رحم زن اعمال حرامی چون لمس بدن توسط اجنبی انجام پذیرد (بندرچی، ۱۳۷۲). اشکالی در انتساب آن طفل به صاحب اسپرم نیست، چون او پدر فرزند است، چنانکه دلایل شرعی و فتاوی فقها از جمیع مذاهب و طوائف اسلامی بر این قول دلالت دارد. بنابراین طفل به طور قطع از زوج و زوجه ارث می‌برد و بالعکس (محلّاتی، ۱۳۸۴).

محمد حسن مرعشی شوشتری نیز در این باره فرموده‌اند: تلقیح نطفه زوج در رحم زوجه، با رعایت موازین شرعی، اشکالی ندارد و ارث می‌برد (به نقل از فتاحی، ۱۳۸۰).

بنابراین برابر مواد ۸۶۱ تا ۹۳۶ ق.م پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد و جدات و ... به ترتیب اقربیت از متوفی ارث می‌برند. فرزند ناشی از لقاح مصنوعی با اسپرم شوهر نیز از کلیه اقارب نسبی عنوان شده ارث می‌برد و کلیه اقارب مذکور نیز از او ارث خواهند برد به شرط اینکه موجبات ارث فراهم باشد و مانعی وجود نداشته باشد (انصاری، صمد صباحی، ۱۴۲۹).

۱۱- شرط وراثت حمل در تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

شرط وراثت این گونه اطفال این است که نطفه آنان در حین فوت مورث منعقد شده باشد و اگر حمل بعد از فوت پدر به وجود آمده باشد با اینکه فرزند شرعی و قانونی آن پدر محسوب می‌شود و با او کاملاً قرابت خونی دارد برابر ماده ۸۷۵ ق.م چون نطفه او حین الموت پدر منعقد نشده از او ارث نمی‌برد. زیرا در فقه اسلامی و قانون مدنی برای ارث حمل دو شرط ذکر شده است. در ماده

۸۷۵ ق.م آمده است: «اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد».

در بحث تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر در صورتی که انعقاد نطفه در رحم زوجه بعد از فوت مورث باشد مستلزم یک اشکال مهم خواهد بود و آن این است که چنین حملی اگر از پدر ارث ببرد با شرط اول منافات دارد و اگر ارث نبرد با آیه شریفه (یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین) منافات دارد (قبله‌ای خویی، ۱۳۸۶). فرض مسأله به این شکل است که اسپرم شوهر اخذ شده و بعد از تقویت و آماده‌سازی به زوجه تلقیح شود یا اینکه زوجه بعد از اخذ اسپرم آمادگی تولید تخمک را ندارد بنابراین اسپرم شوهر در وسایل مصنوعی نگهداری تا تخمک تولید و آماده تلقیح شود در فاصله اخذ و تلقیح اسپرم، شوهر فوت کند و بعد از فوت او اسپرم به زوجه تلقیح شود این امر ثابت است که فرزند از پدر خود ارث نخواهد برد. البته انتقادی نیز بر این ماده وارد شده که فرزند کاملاً با پدر خود رابطه خونی دارد و نسب وی مشروع است بنابراین دور از انصاف است که چنین فرزندی از ارث محروم شود. اما ممکن است پاسخ داده شود که بعد از فوت ما ترک به ورثه موجود انتقال داده می‌شود و فقط حمل موجود از ارث متوفی، منتفع است در حالیکه اسپرم بدون ترکیب تخمک حمل محسوب نمی‌شود که صاحب حق باشد (صمدی اهری، ۱۳۸۲). در این باره فقها اختلاف نظر دارند دو نظریه در این زمینه مطرح است:

الف: عدم جواز ارث: در این زمینه مقام معظم رهبری فرمودند: اگر نطفه شوهر گرفته شود و بعد از وفات او با تخمک همسرش لقاح شده و سپس به رحم منتقل شود عمل مذکور فی‌نفسه اشکال ندارد و کودک به صاحب تخمک و رحم ملحق می‌شود و الحاق آن به صاحب نطفه هم بعید نیست و فرزندی که به دنیا می‌آید از صاحب نطفه ارث نمی‌برد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

ب: جواز ارث: از امام خمینی (ره) سؤالی در این باره شده است بدین مضمون: اگر شوهر زن یک روز قبل از عمل تلقیح فوت کند و نطفه بعد از فوت شوهر منعقد گردد، آیا طفل از شوهر ارث می‌برد؟

فرق بین زنده بودن پدر (صاحب نطفه) در حین تلقیح: فرقی بین زنده بودن پدر در حین تلقیح یا مردن او نیست، بعد از آنکه زوج خود خواستار فرزند ناشی از تلقیح بوده است (به نقل از همدانی، ۱۳۷۱).

یکی دیگر از فقهای معاصر در این مورد معتقدند فرزند حاصل از این عمل، حلال‌زاده است و همه آثار فرزند از قبیل ارث و حریمیت و... بر او بار می‌شود و در ترتیب آثار فرقی بین زنده بودن صاحب نطفه در حین تلقیح و یا مردن او نیست (صانعی، ۱۳۸۵).

در سخنان برخی از فقهای امامیه از جمله سیستانی در کتاب وسائل‌الانجاب الصناعیه ملاک و معیار توارث میان جنین و والدین خود، منعقد بودن نطفه جنین در زمان فوت مورث معرفی شده است و حتی در عبارات فقها تصریح شده است که انعقاد نطفه حین‌الموت کافی در تحقق ارث است، ولی ممکن است دوائر ارث را وسیع‌تر از عنوان حمل قرار داده و معتقد شویم که صرف دخول اسپرم در مهبل قبل از وفات زوج نیز کافی در تحقق ارث است لذا هرگاه مردی هنگام آمیزش با همسر خود یا بلافاصله پس از آمیزش فوت کند و بر اثر این عمل، همسر او باردار شود و کودکی را به دنیا آورد، کودک مزبور از پدر خود ارث می‌برد، هرچند هنگام فوت مرد، حملی تحقق نیافته و حتی هنوز لقاح بین اسپرم و تخمک نیز صورت نگرفته باشد (اردبیلی، ۱۴۰۳). البته به نظر می‌رسد که این تعمیم نیز صحیح نیست، زیرا نصوص وارد در مسأله ارث جنین صرفاً به حمل دلالت دارد و عنوان حمل زمانی صادق است که لقاح میان اسپرم و تخمک انجام شده و جنین در جداره رحم لانه‌گزینی کرده باشد، چنانکه از فقهای معاصر مرحوم آیت الله خویی در کتاب المسائل الشریعه در مسأله ارث جنین صدق عنوان حمل را در زمان فوت مورث معتبر دانسته است. بنابراین انعقاد نطفه و تحقق حمل پس از فوت مورث، خواه به صورت طبیعی یا مصنوعی، سبب برقراری توارث میان جنین و والدین او نخواهد شد (صفایی و علوی قزوینی، ۱۳۸۴).

با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد هرچند حملی که نطفه‌اش پس از فوت پدرش منعقد شده است به معنای حقیقی فرزند متوفی است و محروم ماندنش از ارث، با احساسات و عواطف سازگار نیست، اما با وجود صراحت ماده ۸۷۵ ق.م در مورد شرط بودن انعقاد نطفه حمل برای وراثت او، پذیرفتن ارث برای چنین فرزندی قانوناً ممکن به نظر نمی‌رسد. حال به فرض که چنین فرزندی از پدر خود ارث نبرد آیا از اقارب نسبی خود ارث می‌برد یا با قطع رابطه توارث بین پدر و فرزند، رابطه توارث بین فرزند و خویشاوندان نسبی نیز منتفی است؟

با توجه به ماده ۸۶۲ ق.م اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

(۱) پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد

(۲) اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها

(۳) اعمام و اعمات و احوال و خالات و اولاد آنها

حال آنکه در موقع فوت اقارب نام برده شده طفل وجود داشته و نطفه او قبل از فوت آنها منعقد بوده است بنابراین این فرزند از اقارب خود ارث می‌برد و عرفاً نیز فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی از برادران و خواهران و همچنین نوه و جد و جده خود محسوب و از جهت قانونی و شرعی نیز از محارم آنان محسوب است یعنی چنین فردی نمی‌تواند با عمه، خاله خود ازدواج کند پس مطابق ضوابط قانونی این طفل از اقارب خود ارث می‌برد و منع شرعی و قانونی در بین نیست (صمدی اهری، ۱۳۸۲).

بحث و نتیجه‌گیری

برابر آیات قرآن کریم، خلقت انسان از اسپرم موجود در منی مرد و تخمک زن تشکیل می‌شود و با توجه به این که در تکنیک های «لقاح داخل رحمی و لقاح خارج رحمی»، اسپرم و تخمک از زوجین گرفته می‌شود، هیچ کدام از عناوین حرام شرعی بر لقاح اسپرم و تخمک منطبق نیست، لذا به نظر می‌رسد که اصل این کار اصولاً فاقد منع شرعی است و حتی ترکیب اسپرم و تخمک مرد و زن فاقد رابطه زوجیت در خارج از رحم نیز مشمول قاعده براءت و اصل اباحه می‌شود و به استناد قاعده اماره فراش، کودک به صاحبان اسپرم و تخمک منسوب شده و میتوان ادعا کرد که ارث میان آنان برقرار است.

در تکنیک «اهدای جنین»، هیچ گونه رابطه نسبی میان حمل و زوج دریافت کنندگان جنین وجود نداشته و از یکدیگر ارث نمی‌برند، لذا به منظور تأمین آتیه مالی کودک متولد شده از این تکنیک، مناسب است که زوج دریافت کننده جنین، در زمان حیات، یا اموالی را از خود به وی تملیک کرده و یا با استفاده از صنعت بیمه، آینده مالی جنین را تضمین کنند. راه حل های قراردادی در آیین نامه و یا اصلاحاتی در قانون در دستور کار قرار گیرد.

گرچه قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» در سال ۱۳۸۲ و آیین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۸۳ به تصویب و اجرا رسیده و ممنوعیتی در این خصوص در حقوق ایران به نظر نمی‌رسد، اما در خصوص روش های تلقیح داخل رحمی نیز با توجه به مخالفت اکثر فقهای معاصر و با عنایت به عدم تجویز این گونه روش ها توسط مقنن در زمان تصویب قانون و آیین نامه مربوطه، باعث شده است که قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور و آیین نامه اجرایی آن نتواند ابعاد و آثار فقهی حقوقی رویداد مذکور را به طور کامل و جامع تبیین نماید، لذا اصلاح و بازنگری در قانون فوق الاشاره ضرورتی انکارناپذیر بوده و لازم است در اصلاحات بعدی، نسبت به حکم حقوق اطفال ناشی از این روش های باروری، از قبیل توارث، نسب، نفقه، نحوه تأمین هزینه آنان در صورت فوت یکی از زوجین گیرنده جنین و امثال این موضوعات، در اصلاحات جدید این قانون پیش بینی و تصریح گردد.

برابر تحلیل به عمل آمده، در تکنیک «اهدای گامت» در حالت «اسپریم اهدایی»، حمل فقط به صاحب تخمک (زوجه) و صاحب اسپرم اهدایی - نه به شوهر صاحب تخمک (زوج) - منتسب شده و توارث میان آنان برقرار است و از آنجایی که رابطه نسبی میان حمل و همسر صاحب اسپرم (زوجه) برقرار نیست، لذا از یکدیگر ارث نمیبرند.

در تکنیک رحم جایگزین نیز در انتساب کودک به زوجین شکی وجود نداشته و توارث میان آن‌ها برقرار است و درباره نسب کودک متولد در تکنیک «پیوند تخمدان یا پیوند بیضه» باید گفت که پس از انجام پیوند عضو، حمل به شخص گیرنده عضو ملحق میگردد و در نتیجه به استناد ماده ۸۶۱ ق.م. جزء اقارب نسبی محسوب میشوند و به استناد ماده ۸۶۲ همین قانون، از یکدیگر ارث میبرند.

در مسأله ارث باید بین ارث گذار و ارث بر به واسطه ولادت اتصال برقرار باشد و این ارتباط فقط بین صاحب اسپرم و تخمک و فرزند متولد شده برقرار است. در تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم شوهر، کودک به زوجین منتسب است و نتیجتاً توارث میان آنها برقرار می‌گردد. همچنین در شیوه درمان ناباروری با استفاده از اسپرم بیگانه، زوج فاقد اسپرم با کودک متولد شده هیچ‌گونه رابطه نسبی ندارد و به همین علت از یکدیگر ارث نمی‌برند و به دلیل ثبوت رابطه نسبی میان طفل و صاحبان اسپرم و تخمک رابطه توارث برقرار خواهد شد. در مورد طفلی که نطفه او پس از وفات والدین منعقد شده باشد، از صاحبان اسپرم یا تخمک ارث نمی‌برد و شرط وراثت این گونه اطفال وجود حمل در زمان فوت مورث است. اگرچه در سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور را به تصویب رساند و آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۸۳ تصویب و منتشر شد. لیکن درباره ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی در هیچ‌یک از قوانین موضوعه ایران مقررهای وجود ندارد. بنابراین ضرورت دارد قانونگذار ایران با استفاده از نظرات فقها، حقوقدانان و صاحب‌نظران وضعیت نسب، ارث و سایر آثار وضعی کودکان ناشی از تلقیح مصنوعی را در انواع مختلف روش‌های باروری مصنوعی تعیین و تصویب نماید تا به مناقشات و نظرات گوناگون در مرحله عمل، پایان دهد.

هرگاه شوهر نتواند با همسر خود نزدیکی کند و از طریق عادی صاحب فرزند شود ولی عقیم نبوده و نطفه اش دارای ماده حیاتی باشد، در این صورت اگر تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر در زمان حیات او در محیط آزمایشگاهی انجام و از این طریق طفلی متولد شود، طفل بی شک ملحق به شوهر یعنی صاحب نطفه خواهد بود و از او ارث خواهد برد زیرا، همانطور که ذکر شد تمام شرایط لازم برای نسب قانونی را دارا است.

در خصوص وضعیت ارث جنین لقاح یافته پس از فوت پدر، نگارنده در پرتو بررسی نظریات فقهی و حقوقی به این نتیجه رسیده که اگرچه قانون مدنی در ماده ۸۷۵ شرط وراثت را زنده بودن در حین فوت مورث دانسته است و مقرر داشته که با مرگ مورث، ترکه به طور قهری به ملکیت شخصی در می‌آید که در هنگام فوت مورث موجود باشد و شمول آن نسبت به حملی که نطفه اش پس از فوت پدر منعقد شده و به رحم مادر منتقل گردیده باشد، به علت اینکه مورد از مصادیق تملیک معدوم خواهد بود، مورد تردید میباشد؛ لکن ملاحظه می‌شود قانونگذار در برخی از مقررات به ویژه در قسمت اخیر همان ماده ۸۷۵ قانون مدنی شرط متأخر را در خصوص ارث بردن جنین پذیرفته است و مقرر داشته حمل مشروط به اینکه زنده متولد شود، از مورث خود ارث خواهد برد. بنابراین میتوان از نظر حقوقی برآن بود که زنده متولد شدن طفل ناشی از تلقیح مصنوعی ولو پس از فوت پدر، کشف از مالکیت او نسبت به سهم الارثش از زمان فوت مورث مینماید، زیرا هدف غایی از انعقاد نطفه، پیدایش حمل از نطفه مورث بوده و قانونگذار نسب را شرط ارث بردن قرار داده است.

ماده ۸۶۱ قانون مدنی نسب را به طور مطلق شرط وراثت قرار داده لکن ملاحظه می‌شود در خصوص نسب قانونی هیچ ضابطه شرعی خاصی وجود ندارد و قانون گذار در تشخیص نسب، ضابطه عرفی که همان تکون یک انسان از

اسپریم پدر و تخمک مادر بوده را در نظر گرفته است، لذا میتوان بر مبنای تحلیل عقلی و از منظر عدالت و انصاف فرزند متولد از تلقیح (اسپریم پدر و تخمک مادر) پس از فوت پدر را دارای نسب قانونی و شرعی و از جمله وراثت متوفی دانست . اگرچه با مرگ مورث ترکه به طور قهری به ملکیت اشخاصی در می آید که در زمان فوت مورث زنده بوده اند لیکن میتوان ارث بردن جنین لقاح یافته پس از فوت پدرش را با ارث بردن ورثه کافری که در زمان فوت مورث مسلمانش کافر بوده و قبل از تقسیم ترکه، اسلام می آورد و از ترکه ارث میبرد، قیاس نمود و نظریه انتقال قهری ترکه به وراثت موجود در زمان فوت مورث را به نوعی تعدیل نمود. بنابراین هرگاه تاریخ انعقاد نطفه و تشکیل جنین قبل از تقسیم ترکه باشد، در این صورت به لحاظ عدم انتقال ترکه به وراثت، احکام و مقررات حاکم بر ارث جنین مجری خواهد بود (ماده ۸۷۸ ق.م) و جنین مزبور در ارث سهیم می باشد، ولی هرگاه تشکیل جنین مزبور پس از تقسیم ترکه متوفا صورت گرفته باشد، طفل مزبور به دلیل انتقال قطعی ترکه به سایر وراثت از ارث محروم است .

منابع

- امامی، سیدحسن، (بیتا)، حقوق مدنی، شش جلدی، جلد سوم، تهران، انتشارات اسلامیه.
- بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۶ ق)، جامع المسائل، چهار جلدی، جلد چهارم، چاپ دوم، قم، دفتر معظم له.
- بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۸ ق)، استفتانات، چهار جلدی، جلد چهارم، قم، دفتر حضرت آیت ... بهجت.
- بینت، بلیندا، (۱۳۸۴ ش)، حقوق و پزشکی، مترجم دکتر محمود عباسی، حقوقی سینا، چاپ دوم، تهران، انتشارات حقوقی مؤسسه فرهنگی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱ ش)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۰ ش)، رسائل فقهی، قم، نشر تهذیب.
- جمعی از نویسندگان، پژوهشکده ابن سینا، (۱۳۸۴ ش)، روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، بخش استفتانات و دیدگاه های مذهبی، چاپ دوم تهران، انتشارات سمت.
- حیدری، علینقی، (۱۳۸۹ ش)، اصول الإستنباط فی اصول الفقه و تاریخه بأسلوب جدید، مترجم دکتر عباس زراعت و حمید مسجدسرائی، چاپ هشتم، قم، پیام نوآور (حقوق اسلامی).
- خلفی، مسلم، (۱۳۸۵ ش)، اهدای جنین در پرتو فقه و حقوق: پیامدهای حقوقی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره سی و چهارم، ۱۱۱-۱۴۶.
- درویش نیا، حمید، (۱۳۸۷ ش)، تأثیر انجماد به روش شیشه ای بر تحرک، میزان قابلیت بقا و واکنش آکروزومی خود به خودی اسپرم انسان، مجله زیست شناسی ایران، جلد بیست و یکم، شماره چهارم، ۶۱۸-۶۲۹.
- راسخ، محمد، خورشیدی، مژگان، عامری، فائزه، (۱۳۹۱ ش)، باروری پس از مرگ: بررسی اخلاقی و حقوقی، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره پنجم، شماره سوم، ۶۳-۴۷.
- زنجانی، سیدموسی، (۱۴۱۹ ق)، کتاب نکاح، بیست و پنج جلدی، جلد چهارم: ۱۳۶۸؛ جلد هفدهم، قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲ ش)، وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی، روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، تهران، سمت و پژوهشکده ابن سینا.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۱۷ ق)، جامع الأحکام، دو جلدی، جلد دوم، چاپ چهارم، قم، انتشارات حضرت معصومه (س).
- صانعی، یوسف، (۱۳۸۵ ش)، استفتانات پزشکی، چاپ نهم، قم، میثم تمار.
- صفايي، سیدحسین، قزوینی علوی، سیدعلی، (۱۳۸۵ ش)، ارث کودکان آزمایشگاهی. فصلنامه اندیشه های حقوقی، سال چهارم، شماره یازدهم، ۳۵-۶۳.
- طاهری، حبیب الله، (۱۴۱۸ ق)، حقوق مدنی، پنج جلدی، جلد پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

علیزاده ، لیلا، عمانی سامانی، رضا، (۱۳۹۱ ش)، تولید مثل پس از مرگ: حقوق بیمار و دیدگاه های اسلامی، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی. دوره پنجم ، شماره چهارم ، ۸۴-۹۵.

فاضل لنکرانی، محمد، (بی‌تا)، احکام پزشکان و بیماران، بیجا: بی‌تا، یک جلدی، جلد اول.

فاضل لنکرانی، محمد، (بی‌تا)، جامع المسائل، دو جلدی، جلد اول، چاپ یازدهم، قم، امیر قلم.

قبله ایخویی، خلیل، (۱۳۷۵ ش)، مسائل مستحدثه (مجموعه مقالات)، بررسی احکام فقهی و حقوقی حمل و جنین (۳)، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، سال اول ، شماره چهارم ، ۵۵.

قبله ایخویی، خلیل، (۱۳۸۷ ش)، مسائل مستحدثه (مجموعه مقالات)، بررسی احکام ارث کودکان ناشی از اهدای گامت، تهران، انتشارات سمت.

کاتوزیان ، ناصر، (۱۳۸۷ ش)، حقوق مدنی - شفعه، ارث، وصیت، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی.

محمدی، علی، (۱۳۸۷ ش)، شرح اصول فقه، چهار جلدی، جلد اول ، چاپ دهم ، قم، دارالفکر.

مظفر، محمدرضا، (۱۳۹۱ ش)، اصول مظفر، مترجم آیت ... محسن غروی، دو جلدی، جلد اول ، چاپ یازدهم ، قم، دارالفکر.

منابع عربی:

قرآن کریم .

اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، چهارده جلدی، جلد یازدهم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

اردبیلی، احمد بن محمد، (بی‌تا)، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران، المكتبة الجعفریة الأحيای الأثار الجعفریة.

انصاری، قدرت الله، (۱۴۲۹ ق)، موسوعه احکام الأطفال و ادلها، چهار جلدی، جلد اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار.